

لشکر ابوه دشمن مقاومت نمودند و از آنها به قتل رساندند که دولت انگلیس انکشت حیرت به دندان گرفت .

اما سوگمندانه طولی نکشید رهبر قیام «دلیران تنگستانی» قهرمان جوان رئیسعلی دلواری نابهنگام به شهادت رسید و خبر شهادت او در منطقه بازتاب گسترده‌ای داشت و در همه شهرها و دهات منطقه فارس مجالس ختم بر گزار گردید و عاظم و سخنرانان مذهبی با ذکر رشادت و دلوریهای آن قهرمان شهید خنوبهای مردم را به جوش آوردند .

مؤلف کتاب «فارس و جنگ بین الملل» جریان رسیدن خبر شهادت رئیسعلی دلواری قهرمان نبرد با انگلیس به شیراز و مجلس ختم باشکوهی را که برای وی در مسجد وکیل بزرگترین مسجد شیراز با حضور اهالی بر گزار شده بود ، به تفصیل شرح داده و ضمن اشاره به موقعیت تاریخی شهر هنر پرور شیراز ، می نویسد :

«شیراز ! تو معدن لب لعل و کان حسن هستی ، و اهالی شوخ و بذله سرا و درویش مسلک تو کمتر آندوهناک می شوند ، ولی حیف و صد حیف که در ذیقعد ۱۳۳۳ فرزندان تو عزادار همه پزمرده ، همه مهموم هستند . جوانان تو چون بهم رسند تسلیمت و تعزیت گویند و بیرون زنان و دوشیزگان اشک می ریزند و بکدیگر را تسکین می دهند خاک مرده بر روی ریاچین عطر آگین و گلگهای رنگارنگ پاشیده شده . . .» (۱)

می گوید سخنران این مجلس باشکوه مرحوم «سید ابراهیم ضیاء الواعظین» بود او بر منبر صعود کرد و کلماتی متین و مهیج بر زبان راند که خون در عروق شوندگان به جوش آمد و از هر طرف صجه و ناله و فریاد بلند شد و حضار با

گفتن صحیح است بر سخنان لاطق مهر تأیید گذاشتند ولی ضیاء الواعظین گفت تنها صحیح است فائده ندارد .

حضار گفتند پس به عقیده شما تکلیف چیست ؟

ضیاء الواعظین عقیده من ؟ ! من چه عقیده‌ای می توانم از خود اظهار کنم ؟ حکم علمای اعلام و مجتهدین عراق و ایران بر جهاد با این دودولت (روس و انگلیس) صادر شده است پس هر چه زودتر مجهز شوید برخی از شما لباس نظام ملی پوشیده‌اید باقی نیز بدانها اقتداء کنید و این لباس گشاد و دست و پا گیر که هنگام آسایش بدان ملبس بوده‌اید به کسوت جنگجویان مبدل سازید ، به مشق نظام مشغول شوید و خود را مهیای دفاع از دین و وطن کنید . (۱)

همیشه در مردم شیراز برای جهاد و کمک به دلیران تنگستانی آمادگی پیدا شد مجاهدین شیراز اجتماع بزرگی در مسجد نویر پا کردند و برخی از آنها لباس نظام ملی پوشیده بودند .

انگیزه‌ها پیش که مرحوم آیت‌الله آقا شیخ جعفر محلاتی ذمینه را برای صدور حکم جهاد آماده می ساخت و منتظر فرصت بود ، تا در این ایام توسط ضیاء الواعظین به اطلاع عموم رسانید در این وقت ضیاء الواعظین از جای برخاست و نطق ذیل را ایراد کرد :

«ستایش می کنم ایزد یکتا را که دل‌های ما را بنور توحید مشور ساخت و حکم جهاد را بر کافه مسلمین فرض فرمود امروز دیده ما روشن است که می بینیم برادران خود را که اغلب به لباس نظام ملی ملبس و حاضر شده‌اند که به اندازه توانائی خود در راه دفاع از نفوس اسلام و خاک پاک وطن بکوشند و دست ناپاک اجنبی را از دخالت در امور مسلمین و هموطنان خود کوتاه سازند» .

(۱) فارس و جنگ بین الملل ، ص ۱۰۱ .

(۱) همان کتاب ص ۹۴ .